

چالش های پنهان اجرای طرح قاضی در مدرسه در پرتو حقوق کودک و سیاست جنایی

نویسنده: مصطفی عابدزاده

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه بیرجند

Email:teacherlawer67@yahoo.com

چکیده

طرح «قاضی در مدرسه» به عنوان یکی از رویکردهای نوین سیاست جنایی پیشگیرانه، با هدف ارتقای آگاهی حقوقی دانش آموزان، کاهش تعارضات رفتاری و تقویت ارتباط نهاد آموزش و قضا، در نظام آموزشی ایران اجرا شده است. با وجود اهداف اعلامی مثبت، اجرای این طرح در عمل با چالش های حقوقی و نهادی مواجه است که می تواند حقوق بنیادین کودک و نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی میزان انطباق اجرای این طرح با الزامات حقوق کودک، به ویژه اصل مصلحت عالیه کودک، حق دسترسی به دادرسی عادلانه و تضمین های نهادی پیش بینی شده در اسناد داخلی و بین المللی است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-حقوقی و اسنادی و با مطالعه قوانین و مقررات مرتبط از جمله قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، آیین نامه اجرایی مدارس و اسناد سیاست جنایی، به تحلیل ابعاد حقوقی و نهادی طرح می پردازد. یافته های پژوهش نشان می دهد که ابهام در تعیین حدود صلاحیت قضات حاضر در مدرسه، فقدان سازوکارهای شفاف گزارش دهی، تداخل نقش های تربیتی و قضایی، و تمرکز ناکافی بر رویکرد پیشگیرانه غیرکیفری، از جمله چالش های اساسی اجرای طرح است. این وضعیت می تواند به تضعیف نقش حمایتی مدرسه و خدشه به حقوق شکلی و ماهوی دانش آموزان منجر شود. در پایان، مقاله بر ضرورت بازطراحی نهادی طرح، تقویت ضمانت های قانونی، آموزش تخصصی عوامل مدرسه و تفکیک روشن کارکردهای تربیتی و قضایی تأکید می کند.

واژه های کلیدی: طرح قاضی در مدرسه؛ سیاست جنایی پیشگیرانه؛ حقوق کودک؛ مصلحت عالیه کودک؛ الزامات نهادی

مقدمه

نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در دهه های اخیر به سوی رویکردهای حمایتی، مشارکتی و پیشگیرانه حرکت کرده است؛ رویکردهایی که با تأکید بر اصل مصلحت عالیه کودک، در پی فاصله گرفتن از سیاست های صرفاً تنبیهی و مجازات محور هستند. در این چارچوب، طرح هایی مانند «قاضی در مدرسه» با هدف ارتقای آگاهی حقوقی دانش آموزان، کاهش تعارضات رفتاری و پیشگیری از بزهکاری های خفیف، در برخی نظام های آموزشی به اجرا درآمده اند. ایده محوری این طرح، ایجاد سازوکاری شبه قضایی در محیط مدرسه است تا از ورود زودهنگام دانش آموزان به فرایندهای رسمی و گاه آسیب زای قضایی جلوگیری شود. با وجود این اهداف، ورود نهاد قضاوت به فضای آموزشی می تواند پیامدهایی فراتر از ملاحظات اجرایی و مدیریتی داشته باشد. ابهام در حدود صلاحیت قضات، تداخل نقش های تربیتی و قضایی، و ضعف در پیش بینی ضمانت های نهادی، از جمله چالش هایی است که ممکن است به نقض حقوق بنیادین دانش آموزان منجر شود. مسئله اصلی این مقاله بررسی چگونگی بهره مندی از ظرفیت های پیشگیرانه طرح قاضی در مدرسه، بدون خدشه به الزامات حقوق کودک، به ویژه در پرتو قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-حقوقی و با رویکرد جرم شناختی، به واکاوی این چالش ها و ارائه راهکارهای اصلاحی می پردازد.

۱. مبانی نظری و حقوقی طرح قاضی در مدرسه

۱.۱ مبانی نظری سیاست جنایی حمایتی اطفال

سیاست جنایی اطفال در دهه های اخیر از پارادایم واکنش محض به سمت پارادایم «مدیریت ریسک و مداخله اولیه حرکت کرده است. [۲] در این رویکرد بزهکاری اطفال نه به مثابه یک جرم صرف بلکه به عنوان یک پدیده اجتماعی چند عاملی تلقی می شود که ریشه در عوامل محیطی خانوادگی و آموزشی دارد. طرح هایی مانند قاضی در مدرسه تلاش می کند تا واکنش اجتماعی اولیه را در محیطی غیر رسمی اعمال کنند نظریه های واکنش اجتماعی نشان می دهند که برجسب زدن رسمی به عنوان مجرم میتواند تأثیرات مخرب بلند مدتی بر هویت و آینده کودک داشته باشد بنابراین هدف از اجرای طرح خروج از سلسله مراتب رسمی و استفاده از انحراف مسیر به سوی راهکارهای اصلاحی است [۳]

۱.۲ مبانی حقوقی و جایگاه در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران مبنای اصلی سیاست جنایی اطفال قانون آیین دادرسی کیفری بخش مربوط به اطفال و نوجوانان و به طور خاص قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ است. این قانون با تأکید بر اصل مصلحت عالیه کودک به عنوان اولویت اصلی در تمامی اقدامات قضایی اداری و حمایتی رویکردی کاملاً حمایتی را نهادینه کرده است [۴] طرح قاضی در مدرسه اگرچه در فضای غیر رسمی مدرسه اجرا می شود اما از منظر حقوقی می تواند به عنوان یک اقدام حمایتی پیش از احاله قضایی یا یک اقدام مشورتی نهادی تلقی گردد. چالش اصلی آنجاست که هرگونه مداخله ای که منجر به محدودیت آزادی، سلب حق دفاع یا تحمیل پیامدهای انضباطی حقوقی بر دانش آموز شود باید تحت شمول مقررات قانونی و با رعایت تشریفات خاص این قانون قرار گیرد [۵]

۲. پیشینه و سوابق اجرای طرح

بررسی‌های موردی در زمینه اجرای طرح‌های مشابه در سطح کشور نشان می‌دهد که این رویکرد با استقبال مدیران مدارس و برخی مراجع قضایی روبه‌رو شده است. به عنوان مثال، مقاله بررسی اجرای طرح قاضی در مدرسه و تأثیرات آن.... که در این بخش صرفاً به عنوان منبع اطلاعاتی درباره سابقه مورد استفاده قرار می‌گیرد به یافته‌هایی اشاره دارد که نشان دهنده کاهش موقت ارجاعات به نیروی انتظامی و کلانتریها در مناطق مجری طرح بوده است. این مطالعات معمولاً بر جنبه‌های کمی (کاهش آمار پرونده‌ها) تمرکز کرده‌اند [۶] با این حال تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که کاهش آمار لزوماً به معنای افزایش کیفیت عدالت یا تحقق مصلحت عالی‌ه کودک نیست؛ بلکه ممکن است نشان دهنده سرکوب گزارش دهی یا حل و فصل غیر شفاف تعارضات باشد که در بلند مدت به تضییع حقوق کودک منجر می‌شود. این شکاف میان نتایج کمی و کیفیت حمایتی زمینه‌ساز ورود به تحلیل چالش‌های پنهان است.

تحلیل چالشهای پنهان اجرای طرح قاضی در مدرسه

اجرای طرح قاضی در مدرسه علیرغم نیت خیر با چالشهایی ساختاری و حقوقی مواجه است که اغلب در سطح سیاست گذاری کلان دیده نمی شوند.

۳.۱ ابهام در صلاحیت و ماهیت حقوقی مداخله

مهمترین چالش، تعریف ماهیت حقوقی اقدام قاضی در مدرسه است. آیا این اقدام صرفاً مشاوره آموزشی است یا تحقیق مقدماتی؟ قاضی در نظام دادرسی ما دارای نقش نظارتی و قضایی است. حضور وی در مدرسه گاهاً برای حل اختلافات مرز بین مشاوره آموزشی و اقدام قضایی را مبهم می سازد. اگر قرار باشد قاضی در مقام حل و فصل، رأی یا تصمیمی صادر کند که مستقیماً بر وضعیت انضباطی دانش آموز در مدرسه یا خانواده تأثیر بگذارد این امر نیازمند رعایت اصول دادرسی منصفانه است. عدم وجود ضمانت اجراهای تعریف شده در جلسات غیر رسمی، حق سکوت، حق همراهی وکیل یا ولی طفل در مواردی که جرم مشهود یا جدی باشد به درستی تضمین نمی شود این امر اصل حق دفاع مؤثر را به مخاطره می اندازد.

۳.۲ خطر نقض حریم خصوصی و محرمانگی

یکی از ارکان اصلی حقوق کودک، حق برخورداری از محیط امن و حفظ حریم خصوصی است. دانش آموزان معمولاً تمایلی به افشای جزئیات اختلافات یا مشکلات خانوادگی در حضور مقام قضایی حتی در محیط مدرسه را ندارند. خوداظهاری اجباری، بدنبال حضور یک مقام رسمی قضایی می تواند بر دانش آموز فشار روانی مضاعفی وارد کند و وی را به سمت خود اظهاری کامل سوق دهد حتی اگر این اظهارات به ضرر او باشد. این امر با اصل عدم اجبار به اقرار در تعارض است انتقال اطلاعات به پرونده مدرسه، اطلاعات جمع آوری شده در این جلسات ممکن است ناخواسته و سهواً وارد پرونده آموزشی دانش آموز شده و در آینده بر روند تحصیلی یا اجتماعی او تأثیر بگذارد.

۳.۳ مغایرت با الزامات قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مسیرهای مشخصی را برای مداخله در امور اطفال بزهکار یا نیازمند حمایت ترسیم کرده است این قانون تأکید دارد که در صورت وقوع بزه مقام صالح قضایی باید با رعایت اصول آیین دادرسی کیفری ویژه اطفال وارد عمل شود. عدم رعایت اصل مداخله حداقل، مداخله قضایی در مدرسه می تواند به عنوان مداخله ای زودهنگام و غیر ضروری تفسیر شود در حالی که قانون حمایت از اطفال اولویت را بر اقدامات غیر رسمی قرار داده است.

۳.۴ الزامات نهادی و فقدان ساختار پشتیبان

اجرای موفق هر طرح قضایی نیازمند زیر ساختها و آموزشهای نهادی است که در طرح قاضی در مدرسه به آنها توجه کافی نشده است. قضات معمولاً فاقد آموزشهای تخصصی در زمینه روانشناسی تربیت، آسیب شناسی اجتماعی اطفال و فنون مصاحبه حمایتی هستند مداخله قاضی بدون این آموزشها بیشتر جنبه قضایی محض پیدا میکند تا حمایتی [۷] ضعف در نظارت نهادی: نهاد مسئول نظارت بر اجرای صحیح این طرح که باید نهادی فرادستگاهی باشد مشخص نیست فقدان نظارت باعث می شود که طرح از اهداف اولیه خود فاصله گرفته و به ابزاری برای حل سریع مشکلات مدرسه تبدیل شود.

۴. تحلیل سیاست جنایی و حقوق کودک؛ تقابل رویکردها

از منظر سیاست جنایی مبتنی بر حقوق کودک، هرگونه مداخله رسمی یا شبه رسمی باید حداقلی، تخصص محور و همراه با تضمین های شکلی مؤثر باشد. در غیاب پروتکل های مدون و نظارت نهادی، طرح قاضی در مدرسه با خطر تبدیل شدن به مداخله ای زودهنگام و غیرحمایتی مواجه است؛ وضعیتی که می تواند به تضعیف کارکرد حمایتی مدرسه و نقض مصلحت عالی به کودک بینجامد. از این رو، موفقیت این طرح نه در حضور نمادین مقام قضایی، بلکه در انطباق کامل آن با اصول سیاست جنایی حمایتی و الزامات قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نهفته است.

۵. نتیجه گیری و ارائه راهکارهای اصلاحی نهاد محور

طرح قاضی در مدرسه ظرفیتی بالقوه برای تسهیل حل و فصل اختلافات در محیط آموزشی دارد اما چالشهای پنهان آن در حوزه حقوق کودک و فقدان الزامات نهادی کافی، اجرای بدون احتیاط آن را خطرناک می سازد. سیاست جنایی موفق سیاستی است که نه تنها جرم را مدیریت می کند بلکه حقوق سوژه کودک را نیز به طور کامل تضمین نماید.

برای اصلاح و نهادینه سازی اجرای این طرح راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد

۵.۱ اصلاحات نهادی و تقنینی

تعریف نقش و عنوان قاضی در مدرسه باید اصلاح شود. نقش اجرایی باید به کارشناس حقوقی متخصص در امور اطفال و نوجوانان تغییر یابد که صرفاً وظیفه ارائه مشاوره حقوقی و تسهیل حل و فصل مسالمت آمیز را دارد و از هرگونه نقش شبه تحقیقاتی منع شود. تدوین پروتکل های اجرایی شفاف: وزارت آموزش و پرورش و قوه قضائیه موظفند پروتکلی مشترک تدوین کنند که در آن حدود صلاحیت کارشناس، شرایط ورود به محیط مدرسه، نحوه رضایت گیری از والدین و دانش آموز و روش مستندسازی نتایج به تفصیل مشخص شود. تأکید بر آموزش تخصصی: تنها قضاتی یا کارشناسانی مجاز به شرکت در این طرح باشند که دوره های آموزشی تخصصی اجباری در زمینه روانشناسی کودک و قانون حمایت از اطفال (۱۳۹۹) را گذرانده باشند

۵.۲ تضمین حقوق دانش آموز

ضمانت حق سکوت و محرمانگی باید به صراحت اعلام شود که اطلاعات رد و بدل شده در این جلسات به هیچ عنوان به مراجع قضایی یا انضباطی رسمی مدرسه منتقل نخواهد شد مگر با دستور قضایی صریح و در چارچوب قانون [۸] همراهی وکیل یا ولی در مواردی که دانش آموز متهم به رفتار مجرمانه هر چند خفیف باشد حق همراهی ولی یا قیم برای اطمینان از دفاع مؤثر باید تضمین شود.

اجرای این طرح تنها در صورتی می تواند مفید باشد که به عنوان یک لایه حمایتی کمکی و نه یک جایگزین غیر رسمی برای تشریفات قانونی مورد استفاده قرار گیرد و همواره تابع روح و متن قانون حمایت از اطفال و نوجوانان باشد.

منابع

- [1] میر محمد صادقی حسین (۱۳۹۸) حقوق کیفری اختصاصی اطفال و نوجوانان تهران نشر میزان
- [2] شامبیاتی هوشنگ (۱۳۹۹) حقوق جزای عمومی و اختصاصی (جلد اول). تهران: انتشارات ژست
- [3] برومند محمد علی (۱۴۰۰) نظریه های نوین در سیاست جنایی اطفال فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دوره (۲) ۵۰، صص ۶۲۰-۴۵
- [4] قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی
- [5] آزمون عباس (۱۳۹۹) دادرسی عادلانه اطفال در پرتو قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۲
- [6] ارجاع غیر مستقیم به مقاله پیشینه
- [7] کیانی مهدی (۱۳۹۷) چالشهای آموزش قضات در برخورد با جرایم اطفال فصلنامه دادرسی اطفال دوره جدید شماره ۳
- [8] طباطبایی، مؤتمن منوچهر (۱۳۹۵) مبانی دادرسی کیفری تهران: انتشارات سمت